

ثبات سیاسی و نقش آن در کارآمدی سیاست خارجی دولت اسلامی

رجب‌علی یوسفی*

چکیده

سیاست خارجی یکی از موضوعات مهم و اساسی در رشته روابط بین‌الملل و علوم سیاسی و همچنین نشان‌دهنده نگرش، رویکرد، اهداف و اولویت‌های دولت‌ها و کشورها در عرصه بین‌المللی و روابط با کشورها و دولت‌های دیگر است. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که نقش ثبات سیاسی در نهاد دولت اسلامی در راستای موفقیت سیاست خارجی چیست؟ فرضیه ما بر این امر نهفته است که عدالت محوری، مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، اتحاد و انسجام ملی در دولت اسلامی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های ثبات سیاسی دولت اسلامی به شمار می‌رود که نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی سیاست خارجی (در محورهایی چون تصمیم‌گیری و اجرای آن) دارد. برای اثبات این فرضیه از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌ایم و در ابتدا به مفهوم شناسی ثبات سیاسی و بررسی شاخص‌های ثبات سیاسی پرداخته‌ایم، سپس مسئله اصلی مقاله (نقش ثبات سیاسی در سیاست خارجی) را به بحث گرفته‌ایم. به‌زعم نگارنده، عمده‌ترین نقش ثبات سیاسی در کارآمدی سیاست خارجی متجلی است، و آنچه از این تحقیق به‌صورت کلی به دست می‌آید این است که ثبات سیاسی یکی از عوامل مؤثر در تغییر و تحول سیاست خارجی است و نقش قابل‌ملاحظه‌ای در کارآمدی سیاست خارجی در زمینه تصمیم‌سازی و اجرای آن دارد.

واژگان کلیدی: ثبات سیاسی، دولت اسلامی، سیاست خارجی، کارآمدی

* دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی. (ایمیل: r.yuosfi1367@gmail.com)

مقدمه

همان‌طور که بیان شد تقسیم جهان به کشورها و واحدهای سیاسی مختلف که هرکدام از اقتدار و حاکمیت حقوقی و سیاسی مستقل در قلمرو خاص خود برخوردارند، کشورها را ملزم می‌کند تا همان‌گونه که پلان و سیاست داخلی لازم دارند، ضرورتاً نیازمند سیاست خارجی نیز باشند. فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب اصول و اهداف مناسب در سیاست خارجی برای تمام کشورها امر حیاتی به شمار می‌رود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱) هرکشور برپایه و مبنای توانایی‌ها، قدرت (منطقه‌ای و بین‌المللی)، ایدئولوژی، و اراده مسئولان و مردم خویش، اهداف و مرز مسئولیت‌های فراملی خود را سامان می‌دهد و در این فرایند در جستجوی راه‌هایی بهینه و خردمندانه در نظام بین‌الملل است. سامان‌دهی و اعمال سیاست خارجی درست و مناسب، نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در بقاء، اقتدار و پیشرفت یک کشور دارد. تبیین سیاست خارجی، مبتنی بر اصول و اهدافی است که از روحیه استقلال‌طلبی، اقتدار ملی و حفظ ارزش‌های ملی و اعتقادی نشأت گرفته است. همه دولت‌ها در تعامل با دولت‌های دیگر و انعقاد قرار دادها، نسبت به حاکمیت و استقلال جامعه سیاسی خود حساس‌اند. از این رو تمام پلان‌ها و سیاست‌های خارجی خود را در راستای همین داده‌ها تنظیم و سامان‌دهی می‌کنند. موضوع سیاست خارجی و تحلیل آن یکی از مباحث مهم و اساسی در رشته روابط بین‌الملل است. علماء و دانشوران این رشته تلاش دارند تا با رویکردی علمی و مطالعات روشمند، رفتار سیاست‌های خارجی کشورها را در عرصه بین‌الملل توضیح دهند. ضرورت و اهمیت این امر از آن روست که مهم‌ترین وظیفه و کارکرد سیاست خارجی هرکشور تأمین منافع ملی و تولید امنیت برای آن واحد سیاسی است. امری که حصول آن باعث اعتلای یک جامعه و شکست آن موجب افول و حتی نابودی آن کشور می‌گردد. از این رو می‌توان گفت سیاست خارجی مقوله بسیار مهم و حیاتی در سرنوشت کشورها است. و شایسته توجه علمی و مطالعات روشمند برای فهم موضوعات و مباحث مرتبط با آن است. بنابراین در این مقاله ابتدا مفاهیم و سپس به عوامل مؤثر در سیاست خارجی و آثار و نقش‌ثبات سیاسی در کارآمدی و استقلال سیاست خارجی در حوزه‌های تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا آن می‌پردازیم.

الف) مفهوم لغوی ثبات

در لغت چندین گویش از ثبات شده است. یک به ضمه ث "ثبات" که در این تلفظ ثبات به معنی دردی است که انسان را از تحرک باز می‌دارد. در گویش دومی که از ثبات صورت گرفته حرف "ث" به فتحه تلفظ شده است. در این صورت معنی ثبات عبارت است از بر جای ماندن، قرار گرفتن، دوام یافتن، پایدار ماندن، استقرار، استواری، پابرجایی، پافشاری و ایستادن. (عمید، ۱۳۷۵، ص ۴۴۴) بنابر این آنچه در این مقاله نگارنده از آن استفاده می‌کند معنی دومی است.

ب) مفهوم اصطلاحی ثبات سیاسی

به لحاظ اصطلاحی، ثبات سیاسی مانند دیگر مفاهیم در ادبیات و علوم سیاسی تعریف واحد و جامع ندارد بلکه اندیشمندان و نظریه پردازان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تعاریف مختلف و متفاوتی از آن ارائه نموده‌اند. تنوع و اختلاف این تعاریف از یک طرف معلول اختلاف در دیدگاه اندیشمندان نسبت به مسئله ثبات بوده و از سوی دیگر معلول شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی است. لذا برای ارائه یک تعریف واحد و جامع از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی چالش‌ها و موانع زیادی وجود دارد که مهمترین مشکل و مانع در تعریف ثبات و بی‌ثباتی سیاسی نسبی بودن و هنجاری بودن آن است، زیرا دانشوران و نظریه پردازان علوم سیاسی برداشت‌های متفاوتی از آن را ارائه نمودند، به گونه‌ای که پدیده‌ها و متغیرهای از قبیل نقد و تحلیل عملکرد سیاستمداران و کارگزاران دولت، مظاهره‌های اعتراض آمیز، رقابت‌های سیاسی و... در درون برخی از حکومت‌ها عین بی‌ثباتی و در بعضی کشورها و نظام‌ها دیگر از مصادیق ثبات سیاسی به شمار می‌آیند. همانگونه که بی‌سیاسیت می‌گوید، ثبات نظام سیاسی یک مفهوم هنجاری است، به گونه‌ای که برخی رفتارهای مردم و سیاستمداران، ممکن در بعضی کشورها و دولت‌ها بی‌ثباتی تلقی شود ولی برای برخی کشورها و نظام‌های دیگر فروپاشی و از بین بردن یک نظام خودکامه و ستمگر باشد و از آن استقبال شود. لذا در تعریف ثبات سیاسی دو رویکرد وجود دارد در رویکرد اول، ثبات سیاسی را معادل با نا به سامانی‌های اجتماعی اعم از خشونت‌ها، رشد یا رکود اقتصادی و غیره گرفته شده است. بنابراین تعریف ثبات سیاسی حالتی فرعی پیدا می‌کند طوری که بیشترین توجه صرف

مطالعات مقایسه‌ای بی‌ثباتی سیاسی و احياناً ثبات سیاسی می‌گردد. به طوری کلی بسیاری از تعاریف ارائه شده در مورد ثبات و بی‌ثباتی سیاسی را می‌توان در درون این رویکرد گنجانید. رویکرد دوم، ثبات سیاسی را عمدتاً در بعد حکومت مورد بررسی قرار داده و آن را تغییرات نهادی و غیر نهادی در قوه مجریه میدانند (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۶۶) بنابر این نظم و ثبات سیاسی هر حکومتی مبتنی بر دو دسته از عوامل است یکی اینکه نظام، سازمان و واحد سیاسی کار و برنامه های مقرر خود را به خوبی و طبق قوانین مطروحه انجام دهد و ارتباط و تعامل خود را با سایر سازمان های فرعی داشته باشد. دوم اینکه میان حوزه ها و واحد های اصلی نظام گسست و ناهماهنگی پیش نیاید بلکه همه واحد های اصلی انسجام، هماهنگی و ساختار اصلی نظام را حفظ کند. (عظمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۶۴) براین اساس میتوان ثبات را به معنی نبود منازعه تعریف نمود. لذا بهترین شکل ثبات نوع طبیعی آن است که در آن بین نیاز ها و چیزهای در دسترس تعادل برقرار است (خواجه سروری، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۷) بنابراین نظام با ثبات نظامی است که برای حفظ تعادل سیستم نیاز به استفاده از قدرت نباشد.

دولت در اندیشه اسلامی

دولت در اندیشه سیاسی اسلام و در جامعه اسلامی، هم چون دیگر جوامع، نه تنها بیانگر وجود مجموعه ای از نهاد ها و سازمان های سیاسی است، بلکه حکایت کننده از وجود تلقی ها و برداشت های خاصی از عمل کرد و رفتاری است که مدنیت اسلامی گفته شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی شمرده می‌شود. بنابر این بررسی و کاوش در مورد مفهوم دولت در اندیشه سیاسی اسلام، یکی از مشکل ترین و دشوار ترین کار خواهد بود. دولت اسلامی، دولتی دینی است که مبتنی بر اصول و ارزش ها گرفته شده از دین اسلام است. بنابر این دولت اسلامی در واقع دولتی دینی است. اگرچه این از دو دولت اسلامی تعاریف و تحلیل های متفاوت ارائه شده است اما آنچه از او در این تحقیق است استفاده شده است این است. دولت اسلامی دولتی است که نه تنها ارزش های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین تعیین و تعریف می‌شود، بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به طور کلی، ساختار نظام سیاسی و روش های مدیریت امور عمومی جامعه نیز به وسیله دین بیان می‌گردد. بر اساس این تحلیل و نظریه تنها دولتی را می‌توان مصداق واقعی دولت اسلامی یا دولت مشروع دانست که علاوه بر شرایط ویژه حاکمان، شیوه استقرار رهبران

در مسند قدرت نیز مطابق با الگوی ارائه شده در شریعت و دین باشد (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۲۴) نظریه نصب در اندیشه شیعه و نیز برخی تفسیرها از خلافت در اهل سنت چنین برداشتی دارند. اما واقعیت این است که اندیشمندان مسلمان هرگز درباره ماهیت چنان نظام آرمانی و الگوی ایده آل دولت اسلامی اتفاق نظر نداشته اند و همین اختلاف ها از یک سو، موجب طرح الگوهای متفاوتی از دولت ایده آل اسلامی شده است.

سیاست خارجی

از آنجای که سیاست خارجی از اهمیت فوق العاده در روابط دولت ها بر خوردار است بایستی مورد تحلیل و کنکاش قرار بگیرد تا ترسیم کننده گان و تصمیم گیرنده گان سیاست خارجی بی توانند یک سیاست خارجی مبتنی بر تأمین منافع یا مصلحت دولت در روابط خود با دولت های دیگر را ترسیم کنند. سیاست خارجی کشور ها نشان دهنده اهداف و آرمان هایی است که دولت ها در عرصه روابط خارجی خود در پی دست یابی به آن اهداف و آرمان ها هستند. اهداف و منافع ملی کشور ها در فرایند تصمیم گیری و بر اساس ارزشها و باور های ملی و درک تصمیم گرانگان، تعیین ابزار و امکانات برای تأمین آنها مد نظر قرار می گیرد. بررسی سیاست خارجی و روند تصمیم گیری کشور ها در پی شناخت دقیق تر مقاصد و راهبرد دولت ها در عرصه بین المللی است تا تفسیر و تحلیل دقیق تری از رفتار، تعاملات و سیاست خارجی آنها به دست دهد. سیاست خارجی و عمل کرد دولت ها و تعاملات آن با محیط بیرون از مرز های ملی است. (میر محمدی، ۱۳۹۰: ۵۵) به عبارت بهتر این که سیاست خارجی موضع گیری ها اقتداامات و رفتاری است که دولت های ملی در تعاملات خود با سایر بازیگران اعم از دولتها و سازمان های بین المللی اتخاذ می کنند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۱۵) بنابر این می توان گفت که سیاست خارجی تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولت ها انجام می شود (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۰۴) سیاست خارجی در عین این که از اصول ثابتی برخوردار است متأثر از تحولات و حوادث در سطح بین الملل نیز می گردد. به عبارت دیگر سیاست خارجی یعنی استراتژی یا خط مشیی که به وسیله تصمیم گیرنده گان یک دولت در قبال سایر دولت ها و یا دیگر بازیگران بین المللی برای دست یابی به اهداف ویژه که بر پایه منافع ملی، طرح و برنامه ریزی می شود. (پلینو، ترجمه: حسن پستا، ۱۳۷۵: ۲۰)

کارآمدی

کارآمدی و کارایی از مفاهیم است که در علم مدیریت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و از مهم‌ترین آثار و نتایج ثبات سیاسی در سیاست خارجی است. در علم مدیریت از کارآمدی و کارایی تعریف‌های زیادی شده است، آنچه به عنوان بهترین تعریف به نظر می‌رسد تعریف ذیل است کارآمدی به معنی اثربخشی، تأثیر، توانایی، نفوذ، کفایت، قابلیت، لیاقت و تاثیرگذاری به کار می‌رود (آقا بخشی و افشاری، ۱۳۸۹: ۱۹) لذا در برخی نظام‌های که مشروعیت خود را از رأی مردم نمی‌گیرد، کارآمدی دولت، نقش مهم و حیاتی در مقبولیت، ثبات و استمرار نظام سیاسی دارد. همه دولت‌ها تلاش دارند تا از راه کارآمدی میزان رضایتمندی مردم را بالا برده و مشروعیت داخلی و بین‌المللی خود را به دست بیاورند. در حوزه ثبات سیاسی مفاهیم کارآمدی و کارایی نظام سیاسی مرتبط با مفاهیم چون مشروعیت و اقتدار سنجیده می‌شود. و از طرف مفهوم کارآمدی از مفاهیمی کلیدی در حوزه نظریات توسعه و ثبات سیاسی است. بخصوص در دنیای جدید مسأله کارآمدی نظام‌های سیاسی و چگونگی آن از مسائل مهم در علم سیاست به شمار می‌آید و به همین دلیل است که ملاک و معیارهای متفاوت برای بالا بردن میزان کارآمدی دولت و نهاد‌های سیاسی ارائه شده است.

چهار چوب نظری تحقیق

شاخص‌های ثبات سیاسی

۱- عدالت محوری

واژه عدالت در علوم انسانی و در قاموس تمدن بشری از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم محسوب می‌گردد و رعایت آن از دید، هر انسان، از بدهی‌ترین امور به شمار می‌آید. به گونه‌ای که هیچ‌کسی (ولو خود ظالم باشد) این امر را انکار نکرده و آن را نیکو می‌شمارد. و همین‌طور عدالت در مکتب اسلام و در نظام اسلامی نیز عدالت خود دارای جایگاهی بنیادی است به گونه‌ای که هم در قرآن و هم در سنت پیشوایان دین اسلام مباحث زیاد بیان شده است (فرشاد، ۱۳۸۸، ص ۵۶) در واقع، عدالت مفهومی است، که در نزد همه انبای بشر با هر گرایش و اعتقادات دینی و سیاسی که باشد نیکو و پسندیده است، اگر چه نحوه عمل نمودن به عدالت و ارائه تعریف از این مفهوم متفاوت است. این مفهوم چنان اذهان بشر و اندیشمندان

علوم اجتماعی و به خصوص دانشوران علوم سیاسی را به خود مشغول نموده اند، که امروزه پرسش از چیستی عدالت، یکی از محوری ترین پرسش های فلسفه سیاسی است. عدالت به عنوان یک از مفاهیم اساسی در علوم انسانی از جهات گوناگونی قابل بحث است نگارنده در این تحقیق برای جلوگیری از اطاله کلام از این مباحث خودداری نموده و فقط به توضیح و تفسیر عدالت اجتماعی بسنده میکنیم.

۲ - عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، اگرچه امروزه در مورد عدالت اجتماعی مباحث زیاد بین دانشوران علوم انسانی صورت گرفته و مقالات و کنفرانس ها و نشست های علمی زیاد بر گزار شده اند. اما بازهم این مفهوم هنوز هم داری ابهامات و لایه های پیچیده ای زیادی است و یکی از مفاهیم پیچیده و مبهم در حوزه علوم انسانی و اجتماع است. بنابر این اگر جامعه را میدان آزاد قرار دهیم هیچ عامل محدود کننده خود خواهی های انسان ها نباشد، بدون شک عده بیش از آنچه حقتش است به آن دست می یابد و برخی دیگر نیز به حد اقل از حقوق خود نمی رسند این است که اهمیت بر قراری عدالت اجتماعی روشن می شود (رمضانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵-۱۰۳) و بر همین اساس متفکران و دانشمندان به لزوم رعایت عدالت در حیات فردی و اجتماعی توصیه میکنند (بای، ۱۳۹۴، ص ۸۹). عدالت اجتماعی موجب دوام و ثبات سیاسی حکومت ها است (فیرحی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵) عدالت اجتماعی دارای ابعاد و مصادیق بی شمار است مهم ترین مصادیق عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی است، بنابر این عدالت سیاسی یعنی حق تعیین سرنوشت و برابری در مقابل قوانین، بر اساس این تعریف و با نهادینه کردن این دو اصل در جامعه، می توان از خیلی نا هنجاری ها و بی ثباتی های سیاسی جلوگیری نمود علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۶)

۳ - مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از شاخص های مهم ثبات سیاسی است که امروزه در نظام های دموکراتیک قوام و دوام نظام های سیاسی وام دار مشارکت سیاسی است. در عصر کنونی تمام نظام های سیاسی اعم از دموکراتیک و غیر دموکراتیک تلاش دارند تا با مشارکت حداقلی گروه ها و بازیگران دیگر در قدرت دوام و ثبات دولت و حکومت خود را حفظ کنند، هر چند مصادیق زیادی از مشارکت سیاسی، در نظام ها و در تمدن های گذشته و کهن نیز وجود دارد.

اما بحث از مشارکت به عنوان یک مسئله ای نظری و معیار سنجش مشروعیت به طور گسترده تر، مختص دولت های مدرن است که به موازات تغییر در مفهوم سیاست و نظام سیاسی، از قلمرو دولت به دایره ای وسیعتر عمل سیاسی صورت گرفته است. مثل شرکت در انتخابات، همه پرسی و... مشارکت سیاسی بایستی نظام مند و قانونی باشد، زیرا ارتباط میان مردم و دنیای سیاست، از قواعد خاصی پیروی می کند که قانون مند و حساب شده می باشد. و این قانون مندی برگرفته از هنجارهای حاکم بر هر جامعه است. لذا ممکن است مشارکت که در یک جامعه پسندیده و مطلوب باشد، ولی در جامعه ی دیگری ناپسند، نامطلوب و در تعارض با هنجارهای آن جامعه باشد. بنابراین با مشارکت سیاسی است که حکومت و نظام سیاسی به ثبات سیاسی می رسد. بی ثباتی ناشی از رقابت غیر مسالمت آمیز و غیر نهادی افراد و گروه های مختلف بر سری تسلط انحصاری بر منابع قدرت سیاسی است (محمدی لرد، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵) بنابراین می توان گفت که نتیجه مشارکت سیاسی ثبات سیاسی است زیرا بامشارکت سیاسی می توان به ثبات سیاسی دست یافت و نظم و ثبات را در جامعه حاکم نمود.

۴ - اتحاد و انسجام

انسجام و وحدت در جامعه، از اهمیت بالای بر خورد دارد است. حکومت ها برای دست یابی به اهداف و منافع ملی و شخصی خود جلو خود سری ها را گرفته و مردم را به وحدت و انسجام سیاسی دعوت میکنند. دانشوران علوم سیاسی اتحاد ملی را از ارکان قدرت دانسته اند و آن را برای تداوم و ثبات هر نظام امر حیاتی می دانند. همه دولت ها و حکومت ها نقش اساسی در ایجاد اتحاد و همبستگی مردم دارند. دولت ها می توانند زمینه ها و بسترهای اتحاد را، فراهم نموده و با تأکید بر مشترکات جامعه و دوری از اختلافات زمینه و بستری برای ایجاد اتحاد فراهم نمایند.

۵ - مشروعیت

مشروعیت که یکی از مؤلفه ها و شاخص های مهم ثبات سیاسی است و در علوم سیاسی از جایگاه ویژه و مهم برخوردار است. مشروعیت در واقع پیش شرط اصلی ثبات سیاسی است زیرا قدرت، نفوذ، اقتدار و ثبات حاکمیت تنها در صورت مشروع بودن ممکن است. مشروعیت سیاسی زیر بنای ثبات سیاسی دولت ها و حکومت ها است. هیچ مکتب و نظام سیاسی از پرداختن به آن بی نیاز نیست زیرا مشروعیت همان ارزش مندی آن است به این

معنی که این نظام مبین اراده عمومی است. (وینسنت، ۱۳۷۶، ترجمه: حسین بشیریه، ص ۶۷) مشروعیت یعنی همان حمایت مردم از دولت لذا بعضی دولت ها اگرچه قانونی است چون مورد حمایت مردم نیست لذا مشروعیت ندارد و یا مشروعیتش در معرض نابودی است (بلاندل، ۱۳۷۸، ترجمه: علی مرشدی زاده، ص ۸۸)

۵-۱. مشروعیت سیاسی در اسلام

از آنجاییکه بعد از پیامبر اسلام گرایش ها و مذاهب نسبت به تفسیر دین و مسائلی دینی به وجود آمد و هریک از این گرایشات نظرات خاص خود را در حوزه های مختلف دین و مسائل دینی دارند. لذا در مسأله مشروعیت نظام سیاسی نیز نظرات متفاوت در اسلام وجود دارد. بر این اساس عامه فقهای اهل سنت بر این عقیده اند که خداوند حق حکومت را به بعد از پیامبر به همه امت واگذار نموده و مردم در انتخاب زعیم سیاسی خود مختار هستند. (حاتمی، ۱۳۸۴، ص ۹۲) مشروعیت در اندیشه تشیع به این معنی است، که حاکم جامعه اسلامی کسی خواهد بود که مأذون از طرف خداوند باشد لذا اگر ولایت مستند به خداوند نباشد. مشروعیت نداشته و واجب الاطاعه نیست بلکه خداوند از قبول آن منع نموده است. (حاتمی، پیشین، ص ۱۸۴) لذا حاکم در اندیشه سیاسی شیعه به حاکم حق و عادل، باطل و ظالم تقسیم می شود. مقصود از سلطان عادل پیشوایان معصوم و مجتهدان به عنوان نواب عام امام (ع) است و در غیر اینصورت همه از مصادق سلطان جور است. (فیرحی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۵)

۶- رضایت مندی ملت (شهروندان)

رضایت شهروندان در همه جوامع به خاطر داشتن ابعاد جهانی، بین المللی و مشروعیت دهی برای دولت ها در عرصه های داخلی و بین المللی، مهم پنداشته شده. و به دلیل داشتن نقش و تأثیر اساسی در افزایش مشارکت سیاسی شهروندان مورد توجه سیاست مداران، متفکران و دانشوران علوم سیاسی است. در صد رضایت ملت از دولت در تحقق زندگی مطلوب و جامعه مترقی و توسعه یافته نقش قابل توجه رضایتمندی مردم از نظام سیاسی اگر به گونه نهاد مند شده و سازمان یافته انجام گیرد، از خود کامگی سیاسی و خشونت سیاسی جلوگیری می کند، سبب کاهش آشوب های اجتماعی و تظاهرات ها و اعتراضات ضد حکومتی شده و موجب همبستگی و وحدت ملی می شود. زیرا تمام هنجار های اجتماعی و بی ثباتی سیاسی ناشی از نارضایتی مردم از حکومت است. (فصیحی، دولت شاهی، ۱۳۹، ص ۳۰)

رابطه ثبات سیاسی با سیاست خارجی

سیاست خارجی تداوم سیاست داخلی است. براساس این اصل، بایستی اذعان داشت که ارتباط، درهم تنیدگی و چسبندگی حوزه سیاست داخلی با سیاست خارجی از مهم ترین عرصه های تحول مفهومی در عرصه سیاست خارجی است. اگرچه در گذشته ممکن بود بین سیاست داخلی و سیاست خارجی تفکیک و فاصله ای روشن را ترسیم نماییم اما امروزه با مطالعه دولت و حکومت در می یابیم که ممکن نیست فاصله و انفکاک بین سیاست داخلی و سیاست خارجی ترسیم کنیم، بلکه هر تصمیمی که در عرصه سیاست داخلی اتخاذ می گردد در محیط خارجی و بین المللی نیز تأثیرات مستقیم و آشکاری را از خود برجای می گذارد، همان گونه که تحولات و حوادث خارجی نیز موجب تغییر و دگرگونی در سطوح ملی و سیاست های داخلی کشورها می گردند (خوش وقت، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱) به عبارت روان تر اینکه، سیاست خارجی و جهت گیری های یک کشور در قبال کشور های دیگر بصورت مستقیم با عناصر و فاکتورهای تعیین کننده قدرت ملی آن کشور در ارتباط است و یکی از مهم ترین فاکتورها و متغیرهای قدرت ملی ثبات سیاسی است که آثار مستقیم در سیاست خارجی دولت ها دارد. بنابر این رشد شاخص های ثبات سیاسی چون عدالت محوری، مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، و رضایتمندی ملت از دولت خود موجب کارآمدی و استقلال سیاست خارجی می شود.

عوامل مؤثر در سیاست خارجی

برخی از عناصر و متغیر همچون وسعت سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و جمعیت به عنوان عناصر قدرت ساز "ثابت" مطرح اند و برخی دیگر از عناصر همانند رهبری، کیفیت نیروی انسانی، میزان بهره مندی از توان و دانش فنی، علمی و تکنولوژیک، رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و مشارکت سیاسی نیز تحت عنوان عناصر و شاخص های "متغیر" قدرت و واحد های سیاسی شناخته شده اند (خوش وقت، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۲۲۰) بنابر این مهم ترین عناصر دخیل در سیاست خارجی امور ذیل است.

۱- ارزش ها و اعتقادات

اعتقادات و باور های یک جامعه سیاسی نقش موثر در تعیین سیاست خارجی آن دارد، باور

های اعتقادی یک دولت از این لحاظ اهمیت دارد که طرحی نسبتاً روشن از کارکرد نظام بین الملل و نیز موقعیت یک دولت در قبال سایر دولت‌ها به دست می‌دهد، بر همین اساس برخی از رفتارهای بین‌المللی مورد طرد و انکار واقع می‌شود و برخی دیگر به گونه‌ای مورد قبول قرار می‌گیرد که با نظام اعتقادی حاکم بر جامعه سازگار باشد، نظام اعتقادی در بسیاری از موارد محدودیت‌های بسیاری برای سیاست خارجی به وجود می‌آورد. البته سیستم و باور های اعتقادی باعث تداوم در سیاست‌گذاری خارجی می‌شود تا آنجا که می‌توان گفت هر اندازه باور های اعتقادی جامعه جامع‌تر باشد سیاست خارجی از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود. در بسیار موارد ارزش‌ها و اعتقادات زمینه و بستری را برای توجیه اتخاذ تصمیم‌ها و تعیین اهداف توسط تصمیم‌گیرندگان یا کارگزاران سیاست خارجی فراهم می‌آورد. لذا دو لته موضوعات از قبیل استقلال، ارزش‌های ملی و توسعه اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی را معیارهای عمده سیاست خارجی خود قرار می‌دهند. (قوام، ۱۳۹۷: ۱۴۹) ارزش‌ها و باور های اعتقادی گاه به عنوان ارزش‌های و باور های کلی نظام سیاسی مطرح است که از آن به عنوان ایدئولوژی نیز یاد می‌شود و گاه به عنوان باور ها و اعتقادات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی است بر هر دو فرض ارزش‌ها و باور های اعتقادی نقش اساسی در تصمیم‌گیری های سیاست خارجی دارد. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۱۷)

۲- تاریخ و فرهنگ

عامل دیگر که نقش در تصمیم‌گیری سیاست‌گزاران و تصمیم‌گیرندگان دارد سابقه تاریخی و فرهنگی یک جامعه است، این متغیر گاه به صورت خودآگاه، و گاه هم به گونه‌ای ناخودآگاه، تصمیم‌گیرندگان و کارگزاران سیاست خارجی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، در بسیار موارد سیاست خارجی کشورها متأثر از تاریخ و ارزش‌های فرهنگی آن کشور و دولت است. (جیمز، ترجمه: حسین سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۴) به طور مثال اگر نگاه به سیاست خارجی چین بیندازیم روشن خواهد شد که عملکرد سیاست خارجی چین در بسیاری موارد تحت تأثیر سنت‌های تاریخی - فرهنگی آن کشور بوده است. (قوام، ۱۳۹۷: ۱۵۱)

۳- ساختار نظام بین الملل

ساختار نظام بین‌المللی در هدف‌ها و کنش‌های سیاست خارجی تأثیر بسزایی دارد. تشکیل قدرت‌ها و از میان رفتن همبستگی و انسجام بلوکی و ظهور دولت‌های مقتدر ضمن فراهم

کردن فرصت‌های جدید، خطرهایی نیز به همراه دارد در این روند محدودیت‌ها و موانع سابق از میان می‌روند و امکانات نو برای تنظیم مجدد هدف‌های ملی و همچنین جهت‌گیری‌های جدید در سیاست‌گذاری خارجی برای دولت‌ها فراهم می‌شود بسیاری از تصمیم‌ها و داده‌های سیاست خارجی، واکنش نسبت به رفتار سایر بازیگران بین‌المللی است کشورها در مناسبات خود با دیگران است. بدون شک قرار داد‌ها، اتحادیه (نظامی و اقتصادی) و عضو شدن در اتحادیه‌ها موجب تحول در سیاست خارجی دولت‌های دیگر می‌شود. (جیمز، ترجمه: حسین سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۰) دانشمندان عرصه روابط و سیاست بین‌الملل با مطالعه اقدامات کشورها و درک چارچوب کلی آنها یکسری تقسیمات، تعاریف و الگوها را مطرح می‌سازند تا کسانی که با این مسائل سروکار دارند به برداشت و فهم کامل‌تری از واقعیت از بعد تئوریک و نظری دست یابند و بخصوص سیاست‌گزاران و حاکمان با شناخت واقعی‌تری دست به تصمیم‌گیری و اقدام می‌زنند و بدینوسیله بتوانند منافع ملی خویش را تامین کنند.

۴ - ثبات سیاسی

عامل مهم دیگر که نقش بسیار تعیین‌کننده در سیاست خارجی دولت‌ها دارد ثبات و بی‌ثباتی داخلی است. گاهی تصمیم‌گیرندگان در حوزه سیاست خارجی متأثر از وجود یک سلسله مسائل و بحران‌های داخلی می‌شود، (جیمز، ترجمه: حسین سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۵) عوامل داخلی از جهات مختلف بر سیاست خارجی در حوزه‌های چون تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی ایفا نقش می‌کند. بدون شک عوامل داخلی مانند گروه‌های ذینفوذ، احزاب شخصیت‌های ملی، مقامات دولتی و افکار عمومی ممکن است سیاست خارجی را جهت‌دهی می‌کنند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۱۸). اما در حوزه اجرای سیاست خارجی ثبات سیاسی همچنان نقش تعیین‌کننده و مؤثر دارد، زیرا دولت‌ها تا زمانیکه از قدرت و اقتدار سیاسی در داخل مرزهای خود برخوردار است، در اجرا و عملی نمودن سیاست‌ها و اهداف خود نیز موفق خواهد بود. بررسی رابطه ثبات سیاسی و سیاست خارجی نشان می‌دهد که ثبات سیاسی سیاست خارجی را در جهات و ابعاد مختلف، چون کارآمدی سیاست خارجی در حوزه‌های تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا تحت تأثیر خویش قرار داده و بر آن ایفا نقش می‌کند.

کارآمدی سیاست خارجی

کارآمدی به معنی ذکر شده از اهمیت خاص برخوردار است، زیرا کارآمدی دولت ها، معلول ارتباط همه جانبه اقتدار و ثبات سیاسی است. از آنجائیکه همه دولت ها در پی افزایش کارآمدی خود هستند، برای ثبات سیاسی خود به عنوان یکی از اصلی ترین زیر ساخت های کارآمدی و کارایی، اهمیت قایل است. با توجه به اینکه مبانی، زیر ساخت ها، اهداف و کار ویژه های دولت ها و نهاد های سیاسی متفاوت است، معیار و ملاک کارآمدی نیز متفاوت خواهد بود. آنچه به صورت یکسان و مساوی در همه نهادهای سیاسی اهمیت دارد، اصل کارآمدی، دولت و نهاد های مرتبط با آن است.

معیار های کارآمد بودن سیاست خارجی

کارآمدی به معنی قابلیت و توانایی حفظ و توسعه منافع ملی در چهار چوب اصول و ارزش های ملی، اعتقادی و فرهنگی توسط کار گزاران سیاست خارجی است. کارآمدی بدین معنی داری معیارهای ذیل است.

۱- قانون محوری

حاکمیت قانون یا قانون محوری به این معناست که هیچ فردی از افراد جامعه و هیچ نهادی بالاتر از قانون نیست و همه ذیل حاکمیت و در سایه قانون هستند. آثار و پیامدهای التزام به قانون جلوگیری از بروز هرج مرج و بی ثباتی است که ممکن است در چهره ها و شکل های جدید ظاهر شود. همه مسائل اعم از مسائل داخلی و مسائل خارجی، در سایه قانون می تواند تأمین کننده منافع ملی و مردم باشند. براین اساس چهار چوب کلی سیاست خارجی دولت ها در قانون اساسی تعیین، تدوین و تصویب می شود. رعایت قانون اساسی از سوی کار گزاران سیاست خارجی جلو اختلافات و بی نظمی ها را در سطوح مختلف گرفته و جامعه را بسوی تعالی و رشد سیاسی سوق می دهد. بی نظمی و بی ثباتی در هر کشوری ناشی از عدم رعایت و شکستن حریم قانون است. بنابر این ما قانون محوری در سیاست خارجی را در سه سطح بررسی می کنیم. از آنجائیکه در حوزه تصمیم سازی عوامل مهم دخالت دارد ممکن است تصمیمات مختلف را در فرارو کار گزاران سیاست خارجی قرار دهند.

۱-۱- در حوزه تصمیم سازی

قانون محوری در حوزه تصمیم سازی سیاست خارجی، به این معنی که گزینه ها و موارد که به عنوان تصمیم روی میز قرار گرفته است، بایستی مبتنی بر اصول و ارزشهای ملی و اعتقادی، که پاسخ گو به نیاز های مادی و معنوی مردم است باشند. بنابر این سیاست خارجی دولت اسلامی، در حوزه تصمیم سازی وقت کار آمد است که عناصر ذیل را داشته باشد

۱- به لحاظ ایدئولوژی و مبانی فکری مبتنی بر اصول و ارزش های مقبول و مندرج در قانون اساسی که مورد پذیرش اکثریت مردم و شهروندان باشند به این معنی که تصمیمات حکومتی در باور های اعتقادی آنها جایگاه و ارزش خاص داشته باشند و با سنت و فرهنگ های مردم هم خوانی و همسوی داشته باشند. یا به تعبیر دیگر که این تصمیمات پشت وانه و حمایت مردمی داشته باشند، و الا به زود ترین وقت مخالفت گروه ها و نهاد های مردمی و اجتماعی شروع خواهد شد. (جیمز، ترجمه: حسین سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

۲- تعریف روشن، دقیق و جامع را از اهداف، آرمان ها، و تصمیمات سیاست خارجی ارائه دهد. طرح و تصویب قوانین، که در سایه آن حقوق و منافع مردم، حفظ شده است. لذا به این دلیل است که تمام دولت ها پس از تصاحب قدرت، در اولین فرصت گروهی را که از دانش لازم برخوردار باشد، برای طرح و تدوین، سیاست خارجی که در آن ارزش ها ملی و اعتقادی، آرمان ها و اهداف نظام سیاسی و مردم تعریف و تبیین شده باشند ایجاد می کنند.

۳- از آن جا که اصل دعوت یکی از اصول اساسی، سیاست خارجی دولت اسلامی است. این اصل در واقع همان صدور ارزش های اسلامی و انسانی است که با سعادت انسانی رابطه وثیق دارد. حفظ و صدور ارزش اسلامی یکی از مهم ترین اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی است، این نکته را فراموش نکنیم که صدور و توسعه ارزش های مکتب اسلام به معنای جهت گیری خصمانه سیاست خارجی دولت اسلامی نیست، زیرا دولت اسلامی فقط وظیفه ابلاغ این پیام الهی را دارد، اما برای قبول یا رد آن از سوی جوامع غیر اسلامی، سیاست خارجی دولت اسلامی از اصل دیگر که "عدم اکراه در دین" باشد پیروی می کند

۱-۲- در حوزه تصمیم گیری

کار آمدی و کارای سیاست خارجی در حوزه تصمیم گیری بسیار حائز اهمیت است زیرا به

گفته ماکیاولی حاکمان و سیاست مداران که نتواند تصمیمات روشن را بی گیرد کشور را به سمت سوی بی ثباتی و هرج مرج سوق می دهد. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۸) تصمیم‌گیری در سیاست خارجی متأثر از علل و عوامل مختلف است، ماهیت موضوع تصمیم‌گیری محیط (داخلی و بین‌المللی) ساختار نظام سیاسی و شخصیت تصمیم‌گیرنده گان است که نقش بسیار تعیین‌کننده در تصمیمات اتخاذ شده در سیاست خارجی دارد. شخصیت‌های که به لحاظ سیاسی از قدرت و اقتدار بیشتر برخوردار است کمتر تحت تأثیر محیط پیرامون، نظام، گروه‌ها، احزاب، نیروهای اجتماعی و افکار عامه قرار می‌گیرند، و برعکس هر چه نیروهای تصمیم‌گیرنده به لحاظ سیاسی پشت‌وانه مردمی نداشته باشد نقش آن عوامل تعیین‌کننده تر است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۹) و همین‌طور آقای قوام نیز بیان می‌دارد که عوامل مؤثر در سیاست خارجی امور چون زمان، منابع، فناوری و حوزه عمل است. (قوام، ۱۳۹۷: ۱۳۰) بنابراین کارآمدی و کارایی سیاست خارجی را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه نمود.

۱- آینده‌نگری در تصمیم‌گیری سیاست خارجی.

۲- رسیدن به منافع ملی و اهداف سیاست خارجی.

۳- حفظ ارزش‌های ملی و اعتقادی (ایدئولوژی).

۳-۱-۳ در اجرای سیاست خارجی

دولت‌ها برای تحقق اهداف و جهت‌گیری‌ها سیاست خارجی خود، از تاکتیک‌ها و ابزارهای مختلف بهره‌می‌گیرند. استفاد درست و به موقع از این حربه‌ها در موفقیت و دست‌یابی به اهداف و منافع ملی که مهم‌ترین هدف سیاست خارجی دولت‌ها است، بسیار مؤثر است. لذا جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، دولت‌ها بر اساس استفاد از ابزارهای چون دیپلماسی اقتصادی، فرهنگی و نظامی ارزیابی می‌شود. بنابر این بهترین راهکار برای اجرای سیاست خارجی در مسیر کارآمدی و دست‌یابی به اهداف و تصمیمات سیاست خارجی، قانون‌محوری است که تمام رفتار و عملکرد سیاست خارجی مطابق با قوانین و در چهارچوب الزامات قانون باشند. کارآمدی، کارگذاران سیاست خارجی، در حوزه اجرایی همانند کارآمدی سیستم سیاست خارجی از موضوعات مهم در علم سیاست است. دولت‌ها با وجود داشتن مشروعیت قانونی، در انتخاب کارگذاران خود، در تمام نهاد‌های دولتی نهایت‌اهتمام را داشته‌باشند، زیرا عدم شایستگی و کارآمدی افراد در حوزه اجرایی سیاست خارجی، ممکن آثار و

پیامد های غیر منتظره برای دولت داشته باشد.

۲- شایسته سالاری

از مؤلفه ها و شاخص های کار آمدی شایسته سالاری در حوزه های تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای سیاست خارجی است، از نگاه مدیریتی دولت و حکومت کار آمد خواهد بود که کار و مسئولیت را به افراد متخصص و متعهد و کسانی که دانش و تخصص این کار را داشته باشند، واگذار شود. بدون شک در پرتو شایسته سالاری است که کار آمدی نهاد های سیاسی در حوزه تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای آن محقق می شود. زیرا نیروی انسانی از مهم ترین منابع در حکومت و نهاد های سیاسی است که با ایجاد هماهنگی میان آنها و با گزینش آنها در راستای مهارت و تخصص شان، می توان اهداف و منافع نهاد های سیاسی را بر آورده نمود. براین اساس معیار برای تعیین و تشخیص شایستگی مربوط به نوع نظام سیاسی، دولت مردان، اهداف و سیاست های آنها است. زیرا رفتار انسانی، چه فردی و چه اجتماعی خواه ناخواه بر اساس و مبنای یک سلسله اصول و ارزش های استوار است که از طرف شخص و جامعه تعیین و پذیرفته می شود. با تفاوت در مبنای ارزش، شیوه گزینش و به کارگیری افراد در نهاد ها و مناصب دولتی و غیر دولتی نیز متفاوت خواهد بود در جامعه اسلامی معیارهای لیاقت و شایستگی افراد بر مبنای قرآن و سیره اهل بیت تعیین می شود و لذا بایستی علاوه بر تخصص، تعهد و باور مند به نظام دینی نیز باشد. خداوند نیز مناصب چون نبوت، امامت و مقام های معنوی دیگر را به افراد که شایستگی های خود را به اثبات رسانیده باشند سپرده اند. قرآن بیان می دارد که خداوند به حضرت آدم علیه السلام «اسماء» را تعلیم داد و آن گاه او را خلیفه خود در زمین ساخت خداوند آدم را از بین دیگر موجدانش شایسته خلافتش در زمین دید و او را خلیفه خود در روی زمین معرفی کرد با وجود که ملائک اعتراض کرد و در پاسخ به آنها گفته شد من چیزی را میدانم که شما نمیدانید (سوره بقره آیه ۳۰) و هم منظور حضرت ابراهیم که با پشت سرگذراندن امتحانات بسیار سخت توانست شایستگی درک مقام امامت را پیدا کند و بر وی مقام امامت عطا شد (سوره بقره آیه ۱۲۴) و هم منظور بقیه انبیا و اولیای خداوند که اگر مقام نبوت و امامت را کسب کرده بر اساس شایستگی و لیاقت شان بوده است.

۱-۲- معیار های شایستگی از دیدگاه اسلام

۱-۱-۲- توانایی و آگاهی

مهمترین اصل برای احراز مناصب حکومتی و دولتی از نظر حضرت علی "توانایی و آگاهی" حاکم و کارگزار است آنجا که حضرت می فرماید «ایها الناس ان احق الناس بهذ الامر اقوام علیه و اعلمهم بامر الله» (نهج البلاغه خطبه ۱۷۳) ای مردم بدانید سزاوارترین شخص به زمام داری کسی است که بدان توانا تر باشد و در آن به فرمان خدا دانا تر باشد حضرت علی (ع) با بیان این نکته ارز و جایگاه، توانایی و آگاهی (تخصص و دانش) را در سطوح مختلف نظام سیاسی بیان نموده اند

۲-۱-۲- ایمان و امانت‌داری

در نظام و جامعه اسلامی یکی از علل و عوامل که باعث، قدرت و توان حاکمان و کار گزاران می‌شود و آنان را در قلوب زیر دستان و مردم محبوب می‌کنند. ایمان و امانت‌داری است. کارگزار حکومت اسلامی در واقع حامی و حافظ اصول و ارزش‌های اسلامی است. در نظام اسلامی ایمان و تدین به عنوان اساسی ترین خصوصیت، یک کارگزار حکومت و دولت اسلامی است. لذا حضرت می فرماید «در امور کارگزارانت بنگر و.. از خانواده‌های صالح و کسانی که سابقه خدمت به اسلام دارند برگزین، زیرا اخلاق آنان گرامی تر، آبرویشان محفوظ تر و طمعشان کمتر و عاقبت‌نگری آنها فزونتر می‌باشد» (نهج البلاغه نامه ۵۳)

۳-۱-۲- عدالت محوری

عمال و کار گزاران دولت اسلامی بایستی عادل باشند. از زعیم سیاسی جامعه تا پایین‌ترین مراتب، هر کس به اندازه توان خود دارای این صفت و ارزش انسانی و اسلامی باشند. بنا به فرموده امام علی (ع) مدیر و کار گزار عادل و شایسته در دولت اسلامی، کسی است که مسؤولیت ها را امانت و وظیفه می‌داند نه لقمه‌ای آماده بلعیدن (نهج البلاغه نامه ۵)

۴-۱-۲- بصیرت سیاسی

حضرت علی (ع) از مردم زمان خود گلایه داشتن که درک و بصیرت سیاسی نداشتند، عمق توطئه ها و ماجرا ها را درک نمی‌کرد و از حرف‌های به ظاهر پر رنگ و لعاب مخالفانش (

معاویه و عمر و عاص) فراتر نرفته، به شیطنت‌ها پی نمی‌بردند (نهج البلاغه خطبه ۳۴-۲۷) و نتیجه آن، مواجهه حضرت و حکومت علوی با مشکلات فراوان بود. به باور و عقیده حضرت فردی لیاقت و شایستگی زعامت، رهبری و کارگزاری در نظام اسلامی را دارد که از بصیرت قوی، فهم دقیق مسائل و موضوعات، و باریک بینی در اموری که نیاز به تدبیر و سیاست‌گذاری دارد برخوردار باشد. شایسته سالاری در هر نظام و نهادی بخصوص در نهاد سیاست‌گذاری خارجی از اهمیتی والای برخوردار است. زیرا تأمین بخش عظیم از منافع ملی بستگی به رعایت این اصل در گزینش کار گزاران سیاست خارجی دارد. کارآمدی و کارای دولت‌ها و دولت اسلامی در تأمین منافع ملی و اسلامی، در گرو گزینش افراد متعهد به قانون اساسی و دستورات اسلام، در نهاد های دولتی است.

۳- مصلحت محوری

یکی دیگر از مؤلفه های مهم کارآمدی سیاست خارجی مصلحت محوری است، مصلحت محوری به این معنی که در مواجهه با پدیده های نو ظهور نهاد سیاست‌گذاری خارجی و کار گزاران آن، توان و قابلیت انعطاف پذیری را داشته باشد و بتواند از طریق تعامل و انعطاف تأمین کننده منافع ملی و اسلامی جامعه و ملتش باشد. مصلحت محوری در سیاست خارجی دولت اسلامی جایگاه بسیار ویژه و اساسی دارد و به عنوان یک اصل در سیاست خارجی دولت اسلامی مطرح است. روابط دولت اسلامی در ابعاد مختلف اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی تابع این اصل است. مصلحت محوری، در فقه شیعه نیز از جایگاه ویژه برخوردار است که مرحوم نائینی در این باره مینویسد «انه لاسبیل الی انکار تبعیه الاحکام للمصالح و المفاسد فی المتعلقات و..» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰۲) مصلحت محوری در راستای پیش برد اهداف سیاست خارجی نقش تعیین کننده و محوری دارد. تعامل، انعطاف پذیری و رعایت شرایط زمان و مکان در تصمیم گیری سیاست خارجی موجب کار آمدی و رشد روابط خارجی دولت اسلامی شده و کار گزاران سیاست خارجی را در رسیدن به وضع مطلوب راهنمایی می‌کند.

۴-۲- ایجاد امنیت اقتصادی برای جذب سرمایه های خارجی

تدوین و اجرای درست برنامه اقتصادی از وظایف اصلی حاکمان و کار گزاران سیاست خارجی است.. توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی رفع بی کاری از جمله اهداف حیاتی و اساسی

دولت ها در سیاست خارجی شان به شمار می‌رود (ستوده ۱۳۹۳، ص ۴۵) سازمان ها و نهاد های مختلف با و ظایف و مسئولیت های مختلف عهد دارد تأمین اهداف و منافع اقتصادی یک دولت است. نهاد سیاست خارجی از جمله نهاد های است که از جایگاه مهم در این عرصه بر خوردار است. بدون شک ثبات سیاسی دولت اسلامی زمینه های لازم برای جذب سرمایه های خارجی را در دولت اسلامی مهیا نمود و فضای را برای جلب اعتماد سرمایه گذارن خارجی و شرکت های توریستی ایجاد می کند.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکر شده در این تحقیق می توان به نتایج زیر در تبیین ثبات سیاسی دولت اسلامی و نقش آن در کارآمدی و استقلال سیاست خارجی اشاره نمود.

۱ - هم‌نظر که ثبات سیاسی یکی از متغیر های مهم و تأثیر گذار در سیاست داخلی و خارجی است می توان به این فرجام دست یافت که ثبات سیاسی از مسائل و موضوعات اساسی در حکومت داری است که نقش قابل ملاحظه ای را در رشد و توسعه نهاد های سیاسی ایفا می نماید به گونه که دولت ها بدون مجهز شدن به این مهم دست یافتن به رفاه، امنیت و اقتدار برای شان دشوار و چه بسا غیر ممکن می باشد.

۲ - با جستجو و دقت در منابع دینی و با مطالعه سابقه حکومت داری در اسلام می توان دریافت که ثبات سیاسی در اسلام نیز مورد تأکید و از اهمیت خاص بر خوردار بوده است. ثبات سیاسی دولت اسلامی را می توان بر اساس شاخصه های چون عدالت محوری، مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، تأمین رفاه، رضایت مندی ملت از دولت و... تبیین نمود.

۳ - با توجه به نظریات دانشوران در حوزه ثبات سیاسی می توان به این نتیجه دست یافت که روند و یا فرایند تحقق ثبات سیاسی در یک جامعه و کشور بستگی به نبود موانع برای رقابت و مشارکت سیاسی که از مهم ترین زیر بنا ها و شاخص های اصلی ثبات است. زیرا با نبود موانع برای رقابت ایدئولوژیک نخبگان و مشارکت سیاسی، زمینه برای مشروعیت سیاسی حکومت فراهم خواهد شد در چنین فرضی دست یافتن به ثبات سیاسی ممکن می شود.

۴ - سیاست خارجی متأثر از عوامل و پدیده های چندی است که مهم ترین عامل تأثیر گذار در سیاست خارجی ثبات سیاسی است، زیرا رشد شاخص های ثبات سیاسی چون عدالت

منابع

محوری، مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، و رضایتمندی ملت از دولت، نقش مستقیم و غیر مستقیم در کار آمدی سیاست خارجی (در حوزه تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای سیاست خارجی) دارد.

- ۱- عالم، عبد الرحمن، بنیاد های علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ش.
- ۲- محسنی، محمد قاسم، نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی دولت نبوی، قم، واژه پرداز اندیشه، ۱۴۰۰
- ۳- میر محمدی، مهدی، سازمان های اطلاعاتی و سیاست خارجی، مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی امریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین المللی، ۱۳۹۰
- ۴- فریحی، دواد، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی، سال ۱۳۷۸
- ۵- قاضی زاده، کاظم، مردم سالاری دینی، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۸۵
- ۶- اسمت، استیو و دیگران، سیاست خارجی، نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، تهران، نشر: سمت، ۱۳۹۱
- ۷- بلاندل، ژان، حکومت مقایسه ای، ترجمه، علی مرشدی زاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۸
- ۸- وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین، بشیریه، تهران، نشر: نی، ۱۳۷۶
- ۹- بشیریه، حسین، عقل در سیاست، ص ۵۸۱-۵۸۲، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
- ۱۰- آقا بخشی، علی، و افشاری، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ سوم، نشر چاپار، تهران ۱۳۸۹
- ۱۱- فصیحی دولت شاهی، محمد عارف، جامعه شناسی خشونت سیاسی در افغانستان، ص، ۳۰

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۹۵

- ۱۲- قوام، عبدالعلی، چالش های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۹
- ۱۳- سید باقری، سید کاظم، راهکار های عدالت اجتماعی در نظام اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷، کانون اندیشه جوان.
- ۱۴- شبذینی پاشاکی، محمد، مبانی نظری عدالت اجتماعی در اسلام، نشر، زمزم هدایت، ۱۳۹۰ قم.
- ۱۵- اخوان کاظمی، بهرام، عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶
- ۱۶- شریعت، فرشاد، عدالت و سیاست (برسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب) تهران، دانشگاه امام صادق(ع) ۱۳۸۷
- ۱۷- لشکری، علی رضا، مبانی عدالت اجتماعی در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴
- ۱۸- سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه: محمد علی گرامی و سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲
- ۱۹- بهرامی، قدرت الله، نظام سیاسی اسلام و رهبری دینی در عصر غیبت، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۹
- ۲۰- بای، حسین علی، عدالت و حقوق، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴
- ۲۱- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، نشر: سمت، تهران ۱۳۹۷
- ۲۲- سجادی، عبدالقیوم، اصول سیاست خارجی در قرآن، فصل نامه علوم سیاسی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۱
- ۲۳- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام: اصول سیاست خارجی، تهران ۱۳۶۱، نشر: آرین،
- ۲۴- عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، ج ۳، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش، تهران، نشریه: سمت
- ۲۵- سنت، ریچارد، اقتدار، مترجم: باقر پرهام، مؤسسه، نشر و پژوهش شیرازه، تهران، ۱۳۷۸

- ۲۶- فیرحی، داود تاریخ تحول دولت در اسلام، ۱۳۸۵ قم، دانشگاه علوم انسانی مفید..
- ۲۷- قادری، حاتم، تحول مبانی مشروعیت و خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان، ۱۳۷۵، تهران
- ۲۸- حاتمی، محمد رضا، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران ۱۳۸۴، نشر: مجد
- ۲۹- سیف زاده، سید حسین، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۷۵
- ۳۰- خوش وقت، محمد حسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲
- ۳۱- رضائی، علی، عدالت در فلسفه سیاسی اسلام معاصر، پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام، قم، ۱۳۹۰
- ۳۲- علیخانی، علی اکبر و همکاران، درآمد بر نظام سیاسی عدالت در اسلام، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران ۱۳۸۸
- ۳۳- خواجه سروری، غلام رضا، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۲
- ۳۴- عظیمی دولت آبادی، امیر، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران ۱۳۸۷
- ۳۵- محمدی لرد، عبدالمحمود، آینده پژوهی ثبات سیاسی ایران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران ۱۳۹۳
- ۳۶- دیود ساندروز، الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، ترجمه و انتشارات پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران ۱۳۸۰
- ۳۷- پناهی، محمد عادل، درآمد بر ثبات سیاسی، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰۶-۱۰۷، سال ۱۳۸۳
- ۳۸- شیخ الاسلامی، سید حسین، ترجمه غرر الحکم گفتارهای امیر المؤمنین (ع)، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۵، قم.
- ۳۹- سیف زاده، سید حسین، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲، تهران.
- ۴۰- لطیفی پاکده، لطف علی، اسلام و روابط بین‌الملل، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۸
- ۴۱- مقتدر، هوشنگ سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، مؤسسه خدماتی انتشاراتی

مفهرس، تهران ۱۳۷۰

۴۲- احمدی، محمد قاسم، روابط خارجی در حکومت نبوی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره)، انتشارات، ۱۳۹۰

۴۳- پلون، جک سی، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه و تحقیق حسن پستا، نشر نو بهار،

تهران، چاپ سوم ۱۳۸۴

۴۴- پور احمدی، حسین، مقدمه بر نظریه اسلامی روابط بین الملل، باز خوانش انتقادی نظریه

های روابط بین الملل، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۴.

۴۵- اخوان کاظمی، بهرام، دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و

تدوین کتب دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۲.

۴۶- جعفری فائزی پهلایه ای، غضنفر علی، سیاست خارجی پیامبر اسلام، قم، زائر، ۱۳۷۸

۴۷- ایزدهی، سید سجاد، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، ۱۳۸۷.

۴۸- حقیقت، سید صادق، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، نشر هستی نما،

۱۳۸۱.

۴۹- صبوری، منوچهر، جامعه شناسی سیاسی، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

۵۰- نصیر الدین طوسی، محمد، تجرید الاعتقاد، تهران، ۱۴۰۷ق.